



فرانک آرتا

سکوت خانه سینما ادامه دارد؟

● بدون تردید اخبار مهم و درعین حال تاسف‌برانگیز این روزهای سینمای ایران، به جلوگیری از اکران فیلم «عصبانی نیستم» (رضا درمیشیان) - باوجود داشتن پروانه نمایش رسمی و حتی عقد قرارداد برای اکران در سینماهای کشور - و همین‌طور بلاتکلیف‌ماندن نمایش فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی» (مجسن امیریوسفی)، چه در سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر و چه در اکران عمومی مربوط می‌شود.

شرح ماجراهای توقیف این دو فیلم، مثنوی هفتادمن است که البته مخاطبان این مقال، اصل ماجرا را خوب و به تفصیل می‌دانند، اما آنچه بیش از هر چیز دیگری ذهن نگارنده را به خود مشغول کرده و تاکنون هم به جواب درست‌وصحابی دست نیافته، «سکوت خانه سینما» در قبال چنین اتفاقاتی است! مگر توقیف فیلم‌هایی که از سوی سازمان سینمایی کشور پروانه ساخت یا نمایش گرفته‌اند، موضوع کوچک و بی‌ربطی است که بتوان به‌راحتی از کنار آن گذشت؟

درست است که در روزهای گذشته «هیئت‌مدیره مجمع فیلم‌سازان» و «کانون کارگردانان» به طریقی اعتراض خود را بیان کرده‌اند و الحق‌واللاصاف فیلم‌ساز مستقلی مانند محمدعلی سجادی در سکوت سخنگوی کانون کارگردانان بیه خیلی از مشکلات را به تن مالید و قاطعانه در برابر مشکلات فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی» گفت‌وگو کرد، اما موضوع اصلی ققط خلف وعده‌های سازمان سینمایی نیست! همه تقصیرها را نباید به گردن دولتی‌ها انداخت. آیا همان‌گونه که دولتی‌ها در کار خود بافشاری می‌کنند، اهالی سینما هم در برابر مطالبات اعضای خود جدیت به خرج می‌دهند؟! چرا هیئت‌مدیره «خانه سینما» که در واقعیت برآیند نظرات تمامی صنوف تحت پوشش این خانه است، تاکنون بیانیه رسمی نداده؟! شاید گفته شود که وظیفه اصلی خانه سینما، رسیدگی به امور صنفی و رفاهی است. اگر چنین نگاهی را هم دنبال می‌کند، آیا دست‌اندرکاران و عوامل این فیلم‌ها با توقیف‌شدن، راه و چاره‌ای دیگر برای امرارمعاش یا بازگشت سرمایه‌شان دارند تا دلخوش شوند؟!

اگر بخواهیم به‌ضرس قاطع بیر بیرکهر خانه سینما بعد از بازگشایی آن نگاهی بیندازیم، نه‌تنها در بزنگاه‌های تاریخی به‌داد سینمای ایران نرسیدند، بلکه حتی از شفاف‌سازی استکشاف می‌کردند؛ به‌طورمثال ابراهیم مختاری، رئیس وقت هیئت‌مدیره خانه سینما، با وجود سابقه درخشان فعالیت‌های صنفی، هیچ‌وقت حاضر به‌گفت‌وگوی شفاف نشد. درست است که محل درآمد خانه همان بودجه دودرصدی ارشاد است، اما دیگر نمی‌توان در برابر هر حرکت نادرستی سکوت کرد. بنابراین با همه بی‌بش‌ب‌های نمی‌توان این مسئله را به این قضیه ربط نداد که نایب‌رئیس خانه سینما، جناب آقای مرتضی رزاق‌کریمی، درحال حاضر قائممقام مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی هستند و قطعا موضع‌گیری در برابر برخی از سیاست‌های دولتی برایشان هزینه‌زا خواهد بود یا آقای منوچهر شاهشواری، مدیرعامل فعلی خانه سینما، به دلیل تهیه‌کننده‌بودن هیچ‌وقت نمی‌تواند موضع قاطعی در برابر سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بگیرد. اگر بتوانیم تمامی این نکات را در نظر بگیریم، باز این سؤال مطرح است که دو کلاه‌ساز جوان باید بسوزند و بسازند تا آقابانی که در رأس کار هستند برای حفظ صندلی مبارک ریاست! دم برنیاورند. دوستان در خانه سینما، منظر واکنش شما هستیم.



شکر خدا گودرزی کارگردان و نویسنده

نمایش «الیور توئیست» را با همه حواشی خوب و بد دیدم و از بازی زیبای هوتن شکیبا لذت بردم. هوتن بسیار لطیف، زیبا و شایسته از پس نقش برآمد و لحظات زیبایی را برای من و تماشاگران رقم زد. اما بحث من در دو بخش گنجانده می‌شود؛ حیطه خلق اثر هنری و حیطه تولید اثر هنری. به‌راستی در این حیطه من شاهد «خلق» نبودم، بلکه تلاش فراوانی به کار رفته بود که پایبندی به اجرای موزیکال «الیور» اثر «کارول رید» صورت بگیرد و سعی شده کار با رعایت نکاتی با توجه به شرایط اقلیمی ما تولید شود؛ به‌راستی می‌دانیم این کار با دراماتوزی یک اثر تا حدود زیادی متفاوت است. اینجا کار پرزحمتی انجام گرفته، ولی این زحمات منجر به اتفاق دراماتیک نمی‌شود. سعی شده همه‌چیز در پوششی پرزرق‌وبرق، البته برای تماشاگر ساده‌بند و صوری یا به‌اصطلاح برای تماشاگر رقم‌دار ارائه شود (تماشاگری که دوست دارد موبایل‌به‌دست از صحنه‌ها و رورانس، فیلم و عکس تهیه کند و در انتظار عکس‌گرفتن با بازیگران محبوب خود حاضر به ترک سالن و ایجاد فرصتی برای آماده‌سازی سالن برای برنامه بعدی نیست). تعریض به تماشاگر کاذب! خود حدیث مفصلی است، زیرا در این بخش به شکلی نازگیر مطرح شد! چرا؟ چون خلق این اثر با هدف قراردادن همین قشر و به قول دوستی گرامی «تغییر ذائقه تماشاگر» اتفاق افتاده است.

البته به‌درستی می‌دانیم این با توجه به پیش‌زمینه‌هایی که ما و آنها، یعنی اروپایی‌ها دارند، بعید به نظر می‌رسد تا سال‌های سال چنین امری محقق شود. به مرور حرکات تکراری و کسل‌کننده ضعف آوازی گروه را برطرف کند. چرا؟ چون ما بازیگر خواننده نداریم، آن هم در رده سنی کودکان. برخی یادشان هست در گذشته کودکان را در سراسر ایران برای جشن‌ها آموزش می‌دادند و با دستمال‌های رنگی که در این کار نیز از آن استفاده شده، کودکان در آن زمان به شکلی بی‌نظیر با حرکات موزون شکل‌سازی می‌کردند، این اتفاق غالباً در استادیوم‌های هر شهری زیر نظر معلمان نمایش در طول سال تحت عنوان فعالیت فوق‌برنامه روی می‌داد، اما در این اثر در اولین صحنه به شکلی ابتدایی فقط سعی شده سرضرب حرکت‌کردن بچه‌ها کنترل شود، مبدا بچه‌ها ریتم و ضرب را گم کنند، البته این گناه گروه نمایش نیست، مشکلی است که در سیستم آموزشی ما وجود دارد. موضوع دیگر غیر از فرم، اتفاق دراماتیک است که کمتر شاهد چنین اتفاقی روی صحنه هستیم. تأکیدگذاری‌های درست اتفاق نمی‌افتد و در لحظاتی که تماشاگر باید از مرگ نانسی، قهرمانی که جان خود را برای نجات الیور به خطر می‌انداز، متأثر شود، بی‌تفاوت و حتی به شکلی طنزآمیز شاهد ماجراست. یا در لحظه‌ای که نانسی پسربرچه را فراری می‌دهد، به

دلیل خروج بی‌دلیل بازیگر نقش بیل، توجه به آن سمت معطوف می‌شود و این تأکید و عمل قهرمانانه نانسی عقیم می‌ماند و منتقل نمی‌شود. در صحنه مرگ نانسی، انکار سرپرست گروه آواز می‌خواهد خودش را خارج از روند نمایش به رخ تماشاگر بکشد؛ که صدای من مهم‌تر از اکت صحنه‌ای است! البته تمام اینها به انتخاب شیوه اجرایی است، یعنی اتخاذ شیوه فانتزی که با اتخاذ این شیوه از دراماتیک‌کردن لحظات عبور شده است. اگر شما به فیلم سینمایی «بچه‌های خیابان» محصول ایتالیا که توسط نانی لوی در سال ۱۹۸۹ تولید شده نگاه کنید، فضای موزیکال در راستای تم اجتماعی اثر و در خدمت اتفاقات دراماتیک است. اینکه در دراماتوزری چقدر به این مسئله توجه شده، به نظر من اگر نگوییم توجهی نشده، لااقل کم‌توجهی شده است.

به‌عنوان مثال بردیا کیارس در برنامه تلویزیونی «چشم شب روشن» به این نکته اشاره کرد که سعی شده اشعار فیلم کاملاً ترجمه شوند و بر اساس آن موسیقی تنظیم شود. شاید در این ترجمه عین‌به‌عین بیشتر وجه موزیکال مورد توجه قرار گرفته تا وجه دراماتیک آن که این موضوع در رابطه نانسی و بیل خود را بیشتر نمایان می‌کند. چون با توجه به مناسبات و شرایط اجرا، گروه قادر نیست شرایط ایجاد برخی صحنه‌ها را با توجه به معیارهای اجرایی و ممیزی رعایت کند، بنابراین لحظه دراماتیک اتفاق نمی‌افتد. اجرا گزارشگر می‌شود که قرار است گزارش خود را بر اساس چارچوب‌های رسمی ارائه دهد. به همین دلیل، اکت صحنه‌ای عقیم می‌ماند و خط دراماتیک و پرالتهاب اثر، خشونت بیل، فداکاری نانسی و پول‌پرستی و شرب خمر فاکین، پرداختی دراماتیک پیدا نمی‌کند. انتقادی هم که به شیوه قضا نیز می‌شود در حد پیامک‌های تلگرامی سیله‌ای می‌شوند برای خنداندن تماشاگر... اما بخش دوم؛ یعنی فرایند تولید:

بخش مناقشه‌برانگیز من است که ممکن است کمی موجب دل‌آزردگی شود، بحثی است که این روزها محل پرسش بسیاری از دست‌اندرکاران تئاتر است

چندوچون اجرای الیور توئیست و مناسبات اقتصادی‌اش

سرمایه‌گذاری ۵/۲ میلیاردی واقعی یا پوششی



و آن تبدیل‌کردن تئاتر از یک کالای فرهنگی به یک کالای تجاری، لوکس و صرفاً آتراکسیون است! در این شکل تولیدات «مناسبات سرمایه» و میزان امکانات بیشتری حرف را می‌زند.

خب وقتی تئاتر یک کالای لوکس و مفرح و سرگرم‌کننده و دارای پز باشد و عده‌ای بتوانند با حضورشان در تئاتر و به‌رخ‌کشیدن اینکه در فلان سالن تئاتر بوده‌اند و با فلان هنرپیشه عکس گرفته‌اند، پز هنری‌بودن بگیرند و خود را جزء قشر فرهنگی محسوب کنند و بادی به غیبت بیندازند که بله ما هم جزء جماعت تئاترپرو و تئاتربین هستیم! فاتحه تماشاگر واقعی را باید خواند! هرچند به این شکل هم ایرادی ندارد، واقعا این شکل تماشاگر هم حضورش هیچ اشکالی ندارد! اما با شرط و شروطی! مهم‌ترین شرطش این است که مبدا چنین تماشاگرانی موجب شوند به غلط بپنداریم که اینان همانا تماشاگران واقعی یا پشتوانه واقعی تولید تئاتر هستند و هجوم همین افراد برای دیدن برخی نمایش‌ها که اصطلاحاً از آنان به‌عنوان تماشاگران کاذب یاد می‌کنم، به غلط سرانه تماشاگران را هدف قرار دهد و همه مناسبات تولید تئاتر را مخدوش کند. این همان خطر بزرگی است که ممکن است همان‌گونه که مدیران دولتی مدعی هستند که هر شب صدها نمایش متنوع در تهران در حال اجراست؛ پس تماشاگر تئاتر نیز گارانتی است و نیازی به حمایت از تئاتر نیست! توجیهی باشد برای رواج هرچه بیشتر تئاتر نفروش!

ولی نکته‌ای باربک‌تر از او اینجاست که برای تولید چنین آثاری حمایت به اشکال مختلف صورت گرفته است! این شکل نمایش با توجه به مناسباتی که پس تولید آنهاست، به اشکال مختلف انواع حمایت را با خود داشته و دارند؛ زیرا در مسیری حرکت کرده‌اند که به قول همان عزیز گرامی در نظر دارند «ذائقه مردم را تغییر بدهند»؛ بله! به‌راستی ذائقه مردم را تغییر داده‌اند.

در این تغییر ذائقه‌ای که ایجاد شده! یک پرسش اساسی مطرح می‌شود. اگر چنین بود، چرا انقلاب شد؟! طبعاً انقلاب شد که تغییری در مناسبات تولید و بهره‌مندی همگانی از امکانات برای اعتلای

گفت‌وگو با مهناز افشار به مناسبت ایفای نقش در نمایش «الیور توئیست»

قربانی شدن آدم‌ها

نسبت آن خلق صحنه‌ای است که همه برای آن آماده شدیم و تفاوتش برای من فرصت جبران است که در صحنه تئاتر این فرصت نیست. پس واقعی زندگی می‌کنم و خلق می‌کنم و خلق می‌شوم.

پیش از این‌تجارب تئاتری شما در سالن‌های بلک‌باکس اتفاق افتاده بود و این‌بار با «الیور توئیست» بر صحنه‌ای مثل تالار وحدت نقش‌آفرینی می‌کنید. برای شما حضور روی این‌صحنه چطور است و چه حس‌وحالی دارد؟

حضور بر صحنه تالار وحدت، برایم مثل بهشت می‌ماند؛ بهشتی که مخاطبان‌ش تو را با فاصله می‌بینند و نفس‌به‌نفس با تو همراه‌اند.

بازی در یکی از متن‌های مهم ادبیات جهان؛ یعنی «الیور توئیست» چه کیرایی برای شما دارد؟ تا چه حد

الیور توئیست می‌تواند در زمانه ما حرفی برای گفتن داشته باشد؟ ماجرای پسربرچه‌ای یتیم و از طبقه فرودست در تقابل با دزدان و دلالان عصر خودش؟

چهار کیرایی زیادی دارد. این متن آشنا بارها به تصویر کشیده شده؛ چه به شکل فیلم و چه تئاتر. به همین دلیل اکثراً با الیور توئیست آشنا هستیم. در این اجرا و این ساختار، فضیلت متن، قربانی‌شدن آدم‌هاست در هر جایگاهی که هستند و در نهایت امید است برای آیندگان.

تئاتر موزیکال در جامعه ما چه جایگاهی می‌تواند داشته باشد؟ با توجه به اینکه خاستگاه این نوع تئاتر به غرب برمی‌گردد، آیا این ژانر در

فضایل انسانی به وجود بیاید و طرح شعار تئاتر برای همه در این راستا شکل گرفت! اما در این مسیری که ایجاد شده، تئاتر به معنای یک کالای فرهنگی و پنبده کجای قصه ایستاده است و تئاتر تجاری و گیشه‌ای کجا؟! اینجاست که باید گفت این تغییر ذائقه، برای این چرخش نرم به سوی تئاتر گول‌زنک که ظاهری پرآب و رنگ داشته باشد، موضوع را بغرنج‌تر می‌کند! و اینجاست که تازه مسئله اصلی شکل می‌گیرد.

دست‌کم در آن دوران اگر چنین تولیداتی صورت می‌گرفت، در کنار همه حرف و حدیث‌ها هنرمندان طراز اول در همه رشته‌های هنری و آثار دست اول را می‌آوردند؛ هنرمندانی مانند پیتربروک، یرزی گروتسکی، ویکتور گارسیا و در موسیقی کارل هاینس آشتوک هاوزن، آرتور روبین اشتاین، یانین گزناتکس و گروه باله مرس کانیکهام و... .

اما اکنون براساس کدام زمینه‌سازی و امکانات و نیروی انسانی و مدارس و آموزش و... در تغییر ذائقه حرف می‌زنید؟! لطفاً شفاف باشید! لطفاً توضیح دهید سمت و سوی این تغییر ذائقه با کدام هدف فرهنگی و سطح درآمد مردم به‌ویژه طبقه متوسط که قشر فرهنگی ما هستند، مرتبط است؟!

به نظر من ظاهراً آنچه فراموش شده است، این است که با این اظهارنظر رسمی، یعنی تغییر ذائقه کلاً مسیری انحرافی طراحی شده است؛ مسیری که سمت‌وسودادن تئاتر به تفاخر و تجمل است! البته تئاتر تجملی هم خوب است و هیچ اشکالی ندارد؛ درصورتی که دست‌اندرکاران وظیفه خود را نسبت به تئاتر واقعی فراموش نکنند! دراختیارگذاشتن تسهیلات برای تولید تئاتر تجملی و بی‌ارتباط با هویت و پیشینه فرهنگی طبق کدام سند توسعه فرهنگی انجام گرفته است؟ پشت پرده برخی تسهیلات چیست و چرا شفاف نمی‌شود؟ آیا طبق گفته کارگردان الیور در برنامه تلویزیونی، سابقه دارد کارگردانی حقوق کارکنان تالاری را بپردازد؟! و باز طبق گفته خود کارگردان، در برنامه چشم شب روشن، به سرمایه‌گذاری دویونیم‌میلاردی شرکت رایحه هنر شرق اشاره می‌شود! این شرکت واقعی است یا پوششی؟! اختصاص استوریوردهایی که آپ قریب به سه ماه است، به شکلی گسترده در سطح شهر در اختیار گروه الیور قرار داده و به تبلیغ الیور پرداخته است، امکان ویژه‌ای است که برای همگان فراهم نمی‌شود.

آیا به‌راستی شرایط تولید برای همه کارها یکسان است؟! البته از لابه‌لای صحبت کارگردان در برنامه چشم شب روشن حمایت‌های مشخص بخش دولتی و مجموعه تالار وحدت نیز سرک می‌کشد و خود را نشان می‌دهد که همین حمایت منجر به کاهش قیمت بلیت نمایش از ۱۵۰ هزار تومان به ۹۵ هزار تومان شد و این با گفته کارگردان در برنامه تلویزیونی چشم شب روشن در تناقض است که «از هیچ کمک دولتی و خصوصی استفاده نکرده‌ام». همه ما به‌درستی می‌دانیم که سنگ بنای چنین تغییر ذائقه‌ای از چه زمانی گذاشته شده. زمانی که کارگاه‌های دکور، لباس، آهنگری و... تئاتر شهر و تالار وحدت را تعطیل کردند و پروسه روند تولید آثار نمایشی در گردابی افتاد که هرروز چون چاه ویل عمیق و عمیق‌تر می‌شود... .

ایران اقبالی خواهد داشت و پس از الیور توئیست ادامه خواهد داشت؟

تئاتر موزیکال نیاز جامعه ماست، برای آشنایی بیشتر با موسیقی، حرکت و هماهنگی بین آنها. موسیقی و نمایش اینجا مکمل هم هستند. تفکیک آن به شکل اینکه غربی است خیلی مهم نیست، چون هر کاری که خوب باشد و از آن استقبال شود و مخاطب را راضی کند، این تفکیک‌ها را از اهمیت خارج می‌کند.

نظر شما درباره انتقاداتی که به حضور بازیگران سینما و استارها در صحنه تئاتر مطرح است، چیست؟ فکر نمی‌کنید تئاتر حوزه تخصصی است و متفاوتی است از سینما و سازوکار اقتصادی خاص خودش را دارد و شاید حضور بازیگران چهره به فروش آن کمک کند، اما تئاتر را از ذات خودش (که هنر روشنفکری است) جدا می‌کند؟

تفکیک روشنفکری و نگاه انحصاری نمی‌تواند مانع استقبال و توجه تماشاگر شود. هرکسی که هنر را تجربه و کار کرده، می‌تواند تجربه دارد و بعد از آزمون، تصمیم بگیرد بماند یا خیر. هنر تئاتر ارزش والایی دارد، پس با نگاه کوچک آن را س طحی نکنیم.

ک در نهایت حضور در تئاتری مثل الیور توئیست با دغدغه‌های اجتماعی شما مثلاً حضور در کمپین «بدرسرپستی تنهاتر است» چه نسبتی دارد؟ من دنبال نسبت نیستم، هر کاری در جای خودش ارزش گذاری می‌شود و تلاش خودش را طلب می‌کند. من در این نمایش در اختیار کار هستم و در فعالیت اجتماعی در اختیار آن پوشش، بدرسرپستی این روزها مهم‌ترین دغدغه اجتماعی من است و به صورت خیلی جدی با هم‌راهان پوشش به‌دنبال تصویب لایحه حمایتی حقوق کودکان مستقیم و واقعا معتقدیم بدرسرپستی تنهاتر است.

زیر آسمان فیروزهای

ریتم‌های ایرانی و فرهنگ فولکلوریک

● نشست خبری «هفته بزرگداشت لوریس چکناواریان» با حضور محمد شله‌چی، رهبر گروه تهران مدرن، مجید بهادری، نماینده (هاکوپیان)، حامی مالی بزرگداشت و نسیم شجاعی، مدیر فرهنگی- هنری نوای چنگ فرزانه و جمعی از اعضای رسانه‌های مختلف برگزار شد. در این نشست که با عنوان «۸۰ سال لوریس چکناواریان» در فرهنگسرای اندیشه برگزار شد، «نسیم شجاعی» با بیان این مطلب که ادای دین به بزرگان هر رشته که هستند به گردن همه ماست، گفت: برگزاری این مراسم با همکاری گروه تهران مدرن، موسسه نوای چنگ فرزانه و شرکت هاکوپیان محقق شد. شجاعی با اعلام این خبر که در این روزها دو کنسرت در ۴ و ۱۵ دی‌ماه از آتشار لوریس چکناواریان روی صحنه تالار وحدت می‌رود، گفت: قطعاتی در این کنسرت‌ها اجرا خواهند شد که بیشتر در عرصه بین‌الملل شناخته‌شده هستند و در ایران کمتر اجرا شده‌اند. او توضیح داد: بسیاری از قطعات مربوط به دوران جوانی استاد چکناواریان و زمانی است که در وین تحصیل می‌کردند. شجاعی ویژگی مشترک این آثار را خلاقیت و تمرکز بر سازهای کوبه‌ای و پرکاشن دانست و اظهار کرد: زمانی که استاد چکناواریان چنین قطعاتی را می‌نوشتند، هیچ آهنگ‌ساز (ایرانی) دیگری این کار را پیش از ایشان انجام نداده بود. او توجه به پیشینه فرهنگی، ریتم‌های ایرانی و فولکلور ارمنی در ریزتو‌های نوشته‌شده از سوی استاد چکناواریان را از دیگر ویژگی‌های شاخص کارهای او دانست. «محمد شله‌چی» هم که در سال‌های اخیر آثاری از این استاد موسیقی را در کشورهای مختلف، از جمله سوئیس روی صحنه برده، درباره ریگویی «یادبود قربانیان سال ۱۹۱۵» که قرار است در کنسرت‌های این مجموعه برنامه اجرا شود، گفت: ریگویی یادبود قربانیان سال ۱۹۱۵، تا به حال در ایران اجرا نشده و به اینک مربوط به سال‌ها پیش می‌شود، کار بسیار مدرنی برای زمان خودش به حساب می‌آید. این موزیسین درباره جمع‌آوری سازهای پرکاشی که برای اجرای این قطعات لازم بوده، گفت: جمع‌آوری سازها



و رساندنشان به ایران بسیار مشکل بوده و این موضوع (تعداد سازهای پرکاشن) حتی در بیرون از ایران هم به‌نوعی باورنکردنی بود برای کسانی که می‌دیدند استاد چکناواریان این قطعات را برای چه جمعی از سازهای پرکاشن در آن سال‌ها نوشته است و آنها را سخت متعجب می‌کرد. شله‌چی به اجرای قطعات «باله دشن فانتاستیک»، «پلای پردیس و پریسا» و همچنین نمایش فیلم و موسیقی در مجموعه برنامه‌های این بزرگداشت اشاره و عنوان کرد: فیلم «وزارت گیومری» درباره زلزله‌ای در ارمنستان است که کشته‌های زیادی داد و استاد چکناواریان در آن سال ضمن برگزاری یک کنسرت خیره‌ر در آمریکا برای کمک به زلزله‌زدگان آنجا به ایروان رفت و از آنجا با پای پیاده به گیومری رفت و پولی را برای کمک به مردم جمع‌آوری کرد؛ کمکی که به رقم بسیار بالایی در آن زمان رسید و جالبتر اینکه صرف بازسازی فرهنگی در آنجا شد و این فیلم در آن سال‌ها تنها در تلویزیون ارمنستان روی آنتن رفت.

فراخوان جشنواره ملی، فرهنگی هنری «ایران ساخت» منتشر شد

● فراخوان جشنواره ملی، فرهنگی، هنری «ایران ساخت» منتشر شد. این رویداد با هدف تولید محتوا برای حمایت از کالاهای محصولات و خدمات دانش‌بنیان ساخت ایران و شعار فناوری ایرانی در خدمت کسب‌وکار ایرانی از هشت تا ۱۲ اسفندماه سال جاری در تهران برگزار می‌شود. به گزارش روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی دومین جشنواره، فراخوان جشنواره ملی، فرهنگی، هنری «ایران ساخت» از سوی دبیرخانه این جشنواره منتشر شد. این رویداد ملی با اهداف جریان‌سازی و تولید محتوا برای فضای مجازی مرتبط با چرخه تجاری‌سازی و کارآفرینی اقتصاد دانش‌بنیان، حمایت از خدمات و تولیدات دانش‌بنیان ساخت ایران، ساماندهی واردات بی‌ریبه و ارج‌نهادن به کالاهای و محصولات ایرانی باکیفیت و همچنین کمک به برجسته‌سازی کالاهای مرغوب ایرانی از هشت تا ۱۲ اسفندماه سال جاری برگزار می‌شود. «ایران ساخت» با تکیه بر فرآورده‌های فرهنگی و هنری هنرمندان ایرانی، در نظر دارد تا نهضت توجه و حمایت از اقتصاد دانش‌بنیان را به‌عنوان یکی از راهبردی‌ترین زیرساخت‌های پیشرفت و تعالی کشور و اقتصاد مقاومتی بنیان کند. برهمین‌اساس پس از اجرای موفق در سال گذشته، دومین جشنواره ملی، فرهنگی، هنری «ایران ساخت» با حمایت معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری و به دبیرکلی پرویز کریمی فراخوان خود را منتشر کرده است. علاقه‌مندان می‌توانند برای دسترسی به فراخوان این جشنواره به وب‌سایت www.iransaatkit.ir مراجعه کنند. همچنین شرکت‌کنندگان در جشنواره تا ۱۵ بهمن‌ماه ۹۶ برای ارسال آثار خود مهلت دارند و ۳۰ بهمن‌ماه نتایج آثار منتخب اعلام می‌شود.